

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

چکیده بحث گذشته

بیان مرحوم محقق نائینی را بصورت مفصل و تقریباً تمام ابعاد فرمایش ایشان را عرض کردیم. و ایشان بعد از بیان این نظریه و مقدمات دقیق و مفصل، فرمودند امتناع شرط متأخر از قضایایی است که قیاساتها معها، از قضایایی است که بسیار روشن است و به مجرد اینکه انسان تصور کند تصدیق می‌کند به امتناع شرط متأخر.

نقد مرحوم امام بر محقق نائینی

عرض کردیم نسبت به فرمایش مرحوم نائینی، هم امام (ره) اشکالاتی را دارند و هم دیگران. ابتدا برخی از اشکالاتی را که امام فرموده‌اند عرض کنیم تا اشکالات سایرین.

این اشکالات هم در کتاب مناهج الاصول آمده و هم در کتاب‌هایی که بعنوان تقریرات ایشان است. قبلاً عرض کردیم مناهج به قلم شریف خود امام است، که نظریات اصولی خودشان را در آنجا با قلم خود آورده‌اند. تا به حال از مباحث اصول مرحوم امام، چهار تقریر به چاپ رسیده؛ یکی کتاب «تهذیب الاصول» که معروف هم هست. دوم کتاب «تنقیح الاصول»، در چهار جلد، سوم کتاب «جواهر الاصول»، و چهارم «معتمد الاصول».

اشکالی که در تمام این کتاب‌ها ذکر شده، این است که امام به مرحوم نائینی اشکال می‌کند، شما چرا شرایط مأموریه را از حریم نزاع خارج کرده‌اید و حال آنکه باید شرایط مأموریه همانگونه که مرحوم آخوند هم در کفایه فرموده‌اند، داخل در محل نزاع باشد.

از مجموع فرمایش مرحوم نائینی استفاده می‌شود که ایشان برای إخراج شرایط مأموریه از محل نزاع، دو دلیل و طریق ذکر کرده‌اند.

اول اینکه ایشان شرایط مأموریه را به اجزاء تشبیه کرده‌اند و گفته‌اند همانطور که در باب اجزاء، تأخر بعضی از اجزاء از بعض دیگر اشکالی ندارد، تأخر در شرایط مأموریه هم اشکالی ندارد.

امام (رضوان الله تعالی علیه) می‌فرمایند اتفاقاً نزاع در شرط متأخر در خود این اجزاء هم جریان دارد. شما آمده‌اید یک قسمتی از محل نزاع را به یک قسمت دیگر که آن هم داخل در محل نزاع است، تشبیه کرده‌اید. در اجزاء می‌دانیم که صحّت قیام، متوقف است بر اینکه رکوع بعداً آورده شود. صحّت رکوع متوقف است بر اینکه آن جزء لاحق و جزء بعدی آورده شود.

اگر یادتان باشد در بعضی از تعبیرات، وقتی می‌خواستیم بگوییم نزاع در شرایط متقدمه هم جریان دارد، می‌گفتیم در هر عقدي، اجزاء عقد، عنوان شرایط متقدمه را دارد. مرحوم آخوند اجزاء را داخل در محل نزاع می‌داند. حتی اجزاء متقدمه را، تا چه برسد به اجزاء متأخره. البته این قسمت دیگر در فرمایش امام نیست و من اضافه می‌کنم. همه از جمله مرحوم آخوند و سایرین،

اجزاء را در نزاع در شرط متأخر داخل می‌دانند، هم اجزاء متقدمه و هم متأخره. در اجزاء متأخره بسیار روشن است که صحّت هر جزء، متوقف بر آوردن جزء دیگر است. پس هر جزئی بر یک جزء متأخر، متوقف است. در اجزاء متقدمه هم آخوند می‌فرمود شما «بعث» و «اشتریت» که می‌گویید، وقتی «ت» اشتریت می‌آید، ملکیت می‌آید، و آن زمان «بعث» دیگر گفته شده و تمام شده.

پس مرحوم نائینی یک علت اخراج شرایط مأمور به از محلّ نزاع را، تشبیه به اجزاء قرار داده‌اند و امام می‌فرمایند این تشبیه درستی نیست.

اشکال دوم محقق نائینی بر پاسخ مرحوم آخوند

راه دوم، که این راه دوم در فوائد الاصول مرحوم نائینی آمده، اما در اجود التقريرات ذکر نشده است. (عرض کردیم فوائد الاصول دوره اول اصول مرحوم نائینی است، که مرحوم آقا شیخ محمد علی کاظمی خراسانی نوشته و اجود التقريرات، دوره بعدی اصول مرحوم نائینی است. لذا باید هر دو را ملاحظه کرد و این نکات خوب است در ذهن باشد که معمولاً این دو کتاب را می‌گویند، مباحث الفاظ مرحوم کاظمی اقوی است. و در اجود التقريرات مباحث جلد دوم کفایه اقوی است).

مرحوم نائینی شرط مأمور به را به اضافه برگردانده‌اند و ارجاع داده‌اند، فرموده‌اند ما وقتی می‌گوییم صوم زن مستحاضه، مشروط به غسل لیلی است و غسل لیلی را بعنوان شرط مأمور به قرار می‌دهیم، حقیقت این شرط به یک اضافه برمی‌گردد، یعنی شارع از زن مستحاضه، خود روزه در روز را نمی‌خواهد، روزه مقید به غسل لیلی را می‌خواهد. پس روزه مضاف الی الغسل، مطلوب برای شارع است. پس اگر زن مستحاضه روزه را بگیرد، ولی غسل لیلی را انجام ندهد امتثال حاصل نشده است. پس می‌فرماید این شرط مأمور به به یک اضافه بر می‌گردد، و اضافه الآن موجود است، یعنی صوم این زن صائمه‌ی مستحاضه، الآن اضافه دارد به آن غسل لیلی.

پس با ارجاع شرط مأمور به به اضافه، یعنی به یک عنوانی که عنوان مقارن را دارد، از این راه می‌خواهند شرط مأمور به را از محلّ نزاع خارج کنند.

مرحوم نائینی در اینجا شرط مأمور به را به اضافه و تقیید برمی‌گردانند و می‌گویند این عنوان اضافه از خود این صوم انتزاع می‌شود. برای انتزاع عنوان اضافه، نیازی به اینکه بالفعل آن غسل محقق باشد نیست.

در اینجا در توضیح مطلب، مسأله سابق و لاحق را مطرح کرده‌اند. یعنی دیروز سابق است و امروز لاحق، آیا سابقیت را که از دیروز انتزاع می‌کنیم، بعد از وجود لاحق انتزاع می‌کنیم؟ یعنی بعد از اینکه این لاحق موجود شد، از این وجود لاحق، سابق را انتزاع می‌کنیم یا نه؟

این تعبیر در کلمات مرحوم سید یزدی در حاشیه مکاسب هم است. می‌گوید امروز، سابق است بر فردا. اینچنین نیست که بگوییم تا فردا نیامده نمی‌توانیم عنوان سابق را داشته باشیم. عنوان سابق، طبق نظر نائینی ینتزع از خود این يوم، البته قیدی می‌آوردند و می‌فرمایند ما از خود این شيء و امروز، عنوان سابق را انتزاع می‌کنیم، حالا شيء را نمی‌خواهید مثال بزنید، مثلاً زید دیروز متولد شده، عمرو امروز، می‌گویند زید سابق بر عمرو است.

عنوان سابق را از خود زید انتزاع می‌کنیم، اما نه زید از حیث هو هو، بلکه زید بالقیاس به اینکه یک عمروی بعد از او می‌آید.

بعبارة اخري، مرحوم نائینی می‌فرمایند بین این دو تعبیر، فرق وجود دارد. بین اینکه بگوییم عنوان سابق را با آمدن طرف دیگر و از طرف دیگر ما انتزاع می‌کنیم. یعنی باید زید بیاید، عمرو هم بیاید، بعد که عمرو آمد عنوان سابق را به زید می‌دهیم. بین این، و بین اینکه بگوییم ولو اینکه عمرو هنوز نیامده، عنوان سابق را از خود زید انتزاع می‌کنیم. البته نه زید از حیث هو هو، زید بالقیاس علی وجود عمرو در آینده.

نائینی می‌فرمایند بین این دو فرق وجود دارد. در ما نحن فیه همین کبرای کلی را پیاده می‌کنند. می‌فرمایند اضافه، که یک عنوان انتزاعی است، این اضافه را از خود این صوم انتزاع می‌کنیم. اما صومی که در نظر گرفته شده که غسل لیلی بعداً می‌آید، صوم مقید به این عنوان، ولو هنوز غسل لیلی نیامده، اما بگوئیم صوم معنون است به این عنوان که بعداً غسل لیلی می‌آید. این صوم الآن مضاف به آن است، این صوم الآن عنوان اضافه را دارد، پس اضافه که در مقدمه‌ی قبل فرمودند شرط مأموریه به اضافه بر می‌گردد، اضافه عنوان مقارن را دارد و نتیجه این می‌شود که شرط مأموریه از حریم نزاع خارج است. این بیان دوم مرحوم نائینی است که عرض کردیم در فوائد وجود دارد و در أجود التقریرات به این نحو نیامده است.

نقد مرحوم امام بر طریق دوم محقق نائینی

امام (رضوان الله تعالی علیه) می‌فرمایند این حرف هم حرف باطلی است. می‌فرمایند تا اطراف اضافه محقق نشود، خودش محقق نمی‌شود. اضافه باید آن طرف بعد محقق شود، بعد از اینکه محقق شد، اضافه موجود می‌شود. قبل از وجود طرف دیگر، معقول نیست که اضافه موجود شود.

بعبارة اخري؛ اضافه یک عنوان ربطی بین دو چیز است. اگر این دو چیز محقق نشود، نمی‌توانیم بگوئیم اضافه محقق می‌شود. بعد می‌فرمایند: یک بچه‌ای که یک یا دو ماهه است، آیا می‌شود گفت این بچه عنوان ابوت دارد، چون سی سال دیگر، یولد له ولد؟ خیر، نمی‌شود که عنوان ابوت را به او داد. عنوان ابوت بعد از آن است که آن ولد موجود شود. تا کسی دارای ولد نشود عنوان ابوت را پیدا نمی‌کند.

در عرف و فلسفه همین‌طور است، در فلسفه می‌گویند متضایفان، متكافئان قوّة و فعلاً، یعنی اگر بگوئیم این شخص قوّه ولد دار بودن را دارد، می‌گوئیم پس قوّه ابوت را دارد، نمی‌شود بگوئیم بالفعل ابوت دارد، اما هنوز ولدش عنوان قوّه را دارد. بین ابوت و بنوت تضایف است، متضایفان متساویان قوّة و فعلاً، یعنی اگر یک طرف اضافه، فعلی باید طرف دیگر هم فعلی باشد. اگر یک طرف اضافه بالفعل است، نمی‌شود طرف دیگر آن در همان مرحله قوّة و استعداد باقی مانده باشد. لذا هم از نظر عرفی این مطلب مرحوم نائینی باطل است و هم از نظر فلسفی، که در باب تضایف اینچنین مطلبی را قائل می‌شوند.

نقد استاد بر طریق دوم محقق نائینی

در این راه دوم یک اشکال را هم ما عرض می‌کنیم، که مرحوم نائینی در یکی از مقدمات فرمودند شرایط انتزاعیه از محلّ نزاع خارج است. آیا با ارجاع شرط مأموریه به اضافه، می‌خواهند بگویند این شرط، شرط انتزاعی است و شرط انتزاعی از محلّ نزاع خارج است؟ یا می‌خواهند بگویند با ارجاع به اضافه، این شرط، عنوان شرط مقارن را پیدا می‌کند؟ اگر بخواهند مسأله شرط مقارن را بگویند، همین اشکالی که امام فرمودند وارد می‌شود که مسأله اضافه تا طرف دیگر آن نیاید، محقق نمی‌شود، نمی‌توانیم بگوئیم اضافه هست اما طرف دیگر آن نیامده است. اما یک احتمال دیگر در فرمایش ایشان این است که نمی‌خواهند بگویند، این عنوان شرط مقارن را دارد، بلکه می‌خواهند بگویند این شرط مأموریه به اضافه برمی‌گردد، اضافه، یک شرط انتزاعی است، و ما گفتیم شرایط انتزاعیه از محلّ نزاع خارج است. اگر مراد این باشد، باید به ایشان عرض کنیم که بطلان این بدیهی است، برای اینکه می‌دانیم، خارجاً آنچه شرطیت دارد عنوان اضافه نیست، بلکه خود صوم خارجی است و عنوان انتزاعی اضافه، دخالتی در شرطیت ندارد.

نقد دیگری از مرحوم امام بر محقق نائینی

در کتاب مناہج، مرحوم امام عبارتی دارند که در بعضی از تقریرات ایشان نیامده است. مرحوم امام می‌فرمایند شما در شرط

مأموره بحث را در یک وادی برده‌اید که آن اصلاً ربطی به محلّ نزاع ندارد. بحث شما در شرط مأموره در این خلاصه می‌شود که همانطور که امر، در باب اجزاء به جزء تعلق پیدا می‌کند، همانطور که امر به مرکب به جزء تعلق پیدا می‌کند، امر به مقید و مشروط هم به شرط تعلق پیدا می‌کند. محصل فرمایش شما این است که می‌خواهید بگویید فرقی بین شرط و جزء نیست. چطور امر به جزء تعلق پیدا می‌کند، به شرط هم تعلق پیدا می‌کند.

در حالی که بحث این نیست. بحث ما این است که مأمور به اگر یک شرط متأخری داشته باشد، بحث در تعلق امر نیست، بحث این است که آیا این امکان عقلی دارد یا نه؟ مأموره اگر یک شرط متأخر داشت، آیا امکان عقلی دارد یا نه؟ لذا می‌فرمایند اصلاً شما بحث را طوری عنوان می‌کنید که اصلاً هیچ ربطی به محلّ نزاع در باب شرط متأخر ندارد.

پاسخ استاد از نقد مرحوم امام

ظاهراً به نظر می‌رسد که این فرمایش امام، تام نباشد، برای اینکه هرچه ما در کتاب فوائد یا اجود دقت کردیم، مرحوم نائینی درست است که مسأله تعلق امر به شرط، مانند تعلق امر به جزء را، عنوان می‌کنند، اما برای چه عنوان می‌کنند؟ برای اینکه به این نکته برسند که در باب اجزاء، همان‌طور که آمدن جزء اخیر، دخالت در امتثال دارد، در باب شرط و مشروط هم آمدن شرط، دخالت در امتثال دارد. یعنی می‌گویند وقتی شارع به زن مستحاضه که روزه می‌گیرد، می‌گوید باید شب غسل کنی، یعنی اگر غسل لیلی نیاید، امتثال تحقق پیدا نکرده، همان‌طور که اگر جزء آخر نماز نیاید، امتثال تحقق پیدا نکرده، اینجا هم همین است. از اینجا می‌خواهند استفاده کنند و بگویند شرط مانند جزء است، همانطور که اگر جزء نیاید، امتثال نیست. اگر شرط هم نیاید امتثال نشده است. طبق نظر نائینی وقتی امتثال محقق نشده، دیگر شرط متأخر معنا ندارد.

مرحوم نائینی می‌گوید اگر بگوییم غسل لیلی سببیت دارد برای امتثال روز، یعنی این زن که روزه می‌گیرد، غسلی که شب می‌خواهد انجام دهد، سبب است برای اینکه این زن در روزه صارت ممتثال، اگر بخواهیم اینگونه بگوییم، اشکال تأثیر لاحق در سابق لازم می‌آید.

اما می‌فرمایند همان‌طور که شما در اجزاء نمی‌گویید اگر کسی جزء آخر نماز را انجام داد، این سبب می‌شود که امتثال قبلاً محقق شده، کسی این حرف را نمی‌زند. در باب شرط هم اگر کسی شرط را انجام داد، تازه امتثال محقق می‌شود. با آمدن شرط، تازه این عبد در نزد عقلاً، امر مولا را امتثال کرده، نه اینکه این شرط بخواهد در امتثال قبلی تأثیر بگذارد. لذا این قسمت از فرمایش مرحوم امام، که در مناهج و بعضی از تقریرات است، قابل جواب است و ما می‌توانیم از مرحوم نائینی دفاع کنیم.

نتیجه بحث

نتیجه اول: با این اشکالات مهمی که امام فرمودند نتیجه می‌گیریم، حق با امام (رضوان الله تعالی علیه) است. یعنی این که مرحوم نائینی شرایط مأموره را از محلّ نزاع خارج کردند، فرمایش تامی نیست، و همانطور که مرحوم آخوند خراسانی، امام، مرحوم عراقی و عده زیادی، شرایط مأمور به را داخل در محلّ نزاع در شرط متأخر می‌دانند، ما هم باید بگوییم «شرط مأموره داخل در محلّ نزاع است».

نتیجه دوم: اینکه ما بخواهیم شرط مأمور به را به یک شرط انتزاعی برگردانیم، این هم بطلانش روشن شد.